

بررسی فقهی أخذ مازاد بر تعرفه پزشکان (زیرمیزی)

محمد خانی، سید محسن آریز^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور (نویسنده مسئول)

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات دانشگاه حکیم سبزواری، سبزواری

* نویسنده مسئول: sm.aziz@hsu.ac.ir

چکیده

یکی از موضوعات مهم جامعه امروز که در میان بعضی از پزشکان رواج دارد و وجهه اجتماعی آنان را در معرض آسیب قرار می‌دهد، پدیده‌ای به نام زیرمیزی است. در مورد این که آیا گرفتن این وجه صحیح است یا خیر؛ در بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. معتقدان به عدم جواز اخذ مازاد بر تعرفه علاوه بر حرمت شرعی جواز اخذ مازاد، به آیه شریفه حرمت اکل مال به باطل، روایت «لا یحل مال امرئ آلا عن طیب نفس» ، روایات وارده در مقام احتیاط نسبت به مال غیر و قاعده عقلی دفع ضرر محتمل استناد می‌کنند، در مقابل قائلین به جواز به دلائلی همچون رضایت و طیب نفس بیمار، قاعده «عمل المسلم محترم ما لم یقصد التبرع» و روایت ابا بصیر از امام صادق (علیه السلام) استناد می‌نمایند. اما امام خمینی (ره) مراد از حرمت مورد بحث در این قاعده را حرمت تکلیفی می‌داند بدین معنی که تصرف در مال مسلم بدون مجوز شرعی حرام است و تصرف در آن بدون مجوز شرعی جائز نیست و چنانچه تصرف صورت گیرد و موجب تلف مال شود، اضافه بر حرمت تکلیفی ضمان نیز خواهد داشت که باید جبران شود در این نوشتار سعی بر آن است به بررسی ماهیت و مبانی مشروعیت و یا عدم مشروعیت زیرمیزی پزشکان در فقه اسلامی پرداخته شود

واژگان کلیدی: تعرفه، بررسی فقهی، پزشکان، مازاد بر تعرفه (زیرمیزی)، امام خمینی (ره).

تجربی دانای به علاج توسط دارو چه شیمیایی چه گیاهی باشند، می‌شود. اما در این نوشتار مراد از پزشک تنها پزشک مصطلح می‌باشد و نه پزشک به معنای لغوی آن.

۲- پزشک در اصطلاح

در اصطلاح پزشک فردی است که با آموختن علم طبابت در یکی از مراکز دانشگاهی و اخذ مدرک دکتری که به تجویز ماده ۱ آیین نامه اجرای قانون اجازه تاسیس مطب مورخه ۱۳۶۳/۱۱/۱۷ می‌تواند به امر درمان بیماران براساس تخصص خودش اقدام نماید. طبق ماده ۴ قانون مرتبط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ هر موسسه پزشکی و دارویی که امور فنی آن به اتکا پروانه اشخاص ذی صلاح توسط افراد فاقد صلاحیت اداره شود از طرف وزارت بهداشتی (در حال حاضر وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی) تعطیل می‌شود (عبادی، ۱۳۷۲، صفحه ۲۲).

مبحث دوم: مبانی فقهی جواز یا عدم جواز اخذ مازاد بر تعرفه

گفتار اول: مبانی فقهی عدم جواز اخذ مازاد بر تعرفه

۱- آیه حرمت اکل مال به باطل

یکی از ادله‌ی که می‌توان با استناد به آن حرمت دریافت مازاد بر تعرفه را استفاده کرد، آیه حرمت اکل مال به باطل است که قرآن کریم به صراحت از اکل مال به باطل نهی نموده است و می‌فرماید: «لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل...» (نساء، آیه ۲۹) اموال یکدیگر را به ناحق مخورید...»

بحث در مفاد آیه شریفه بسیار مهم است از این جهت که یکی از مباحثی مهم در موضوعات احکام شرعی اینست که آیا معنا و مصداق عرفی آنها مقصود است یا این که معنا و مصداق شرعی آنها موضوع قرارداد می‌باشد؟ در این زمینه لازم است به بیان نظریه‌های ارائه شده اشاره کنیم:

الف) برخی معتقد به عرفی بودن «باطل» مطرح در آیه شریفه هستند و می‌گویند: مراد از باطل در آیه شریفه، باطل عرفی است لذا اکل مال به وسیله هر عقدی که عرفاً باطل است حرام و به وسیله هر عقدی که عرفاً صحیح است جایز می‌باشد (حکیم، ۱۴۱۶، صفحه ۳۴۲) ولی به نظر می‌رسد که مراد از باطل و صحیح، باطل و صحیح واقعی است که شارع مقدس با توجه به دید واقع بینانه خود به آن حکم کرده است و عرف و عقلاء هم اگر چنین دیدی داشتند، نظیر همان حکم را

مبحث اول: مفهوم شناسی

گفتار اول: مفهوم تعرفه

۱- تعرفه در لغت

تعرفه در لغت به مقدار پولی گفته می‌شود که به عنوان مالیات به دولت باید پرداخته شود، لذا منظور از تعرفه مبلغی است که به پزشک در مقابل انجام دادن کارش باید داده شود. مرحوم دهخدا از آن به حق ویزیت پزشک یاد کرده است (دهخدا، ۱۳۷۷، صفحه ۱۱۱۲). به عبارت دیگر تعرفه عبارت از هزینه‌ای است که توسط سنت یا قانون تعیین می‌شود (دورلند، ۲۰۰۳، صفحه ۵۴۴).

۲- تعرفه در اصطلاح

در اصطلاح پزشکان، تعرفه به نرخ تعیین شده و مصوب توسط مراجع قانونی (شورای عالی بیمه - هیأت وزیران و سازمان نظام پزشکی و ...) در مورد هر یک از امور مربوط به خدمات درمانی و تشخیص گفته می‌شود. به تعبیر دیگر، منظور از تعرفه، نرخ خدمات تشخیصی و درمانی است که مبنای محاسبه خدمات درمانی و تشخیصی طبی و پرداخت حق‌العلاج پزشکان و واحدهای تشخیصی درمانی بیمارستان قرار خواهد گرفت (دبیرخانه شورا عالی، ۱۳۷۷، صفحه ۹).

۳- مفهوم مازاد بر تعرفه

با توجه به تعریف تعرفه، دریافت هرگونه وجوهی که اضافه بر نرخ مصوب مراجع ذی صلاح باشد مازاد بر تعرفه نامیده می‌شود؛ اعم از این که این پول مستقیماً به شخص پزشک معالج یا افرادی داده شود که در این حیثه مسئولیت دارند.

گفتار دوم: مفهوم پزشک

۱- پزشک در لغت

واژه پزشک فارسی و معادل کلمه عربی طبیب است. «واژه عربی طبیب به معنای زیرک، دانا، نیک، ماهر در کار خود و آن که دانا به دوا، علاج، دارو و درمان باشد و علاج بدن کن گفته می‌شود. واژه فارسی پزشک (به کسر پ و فتح ز)، به کسی گفته می‌شود که به درد بیماران رسیدگی کند و به تدبیر و دارو شفا بخشد.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۴۸۷۳). اما در فرهنگ لسان العرب در بیان کلمه طبیب آورده است که طبیب کسی است که عالم به علوم طب باشد و در تعریف طب گفته شده است: علاج جسم جان را طب می‌گویند پس طبیب کسی است که عالم به علاج جسم و جان باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵، صفحه ۵۵۳). خلاصه این که اطلاق پزشک شامل تمامی کسانی که به صورت علمی و

باطل عرفی باشد یا باطل واقعی (با فرض پذیرش این که آخذ مازاد بر تعرفه از لحاظ عرف صحیح نیست) پدیده‌ی مازاد بر تعرفه و یا همان زیر میزی، مصادق اکل مال به باطل است که به صراحت قرآن کریم از آن نهی کرده است.

۲- قاعده احترام مال مسلم

مفاد این قاعده این است که مال مسلمان، مصون از تصرف مجانی و تعدی در آن است. در روایتی از پیامبر اعظم از زبان ائمه معصوم (علیهم السلام) وارد شده است که «حرمت مال مسلمان مانند حرمت خونش است» (کلینی، ۱۳۸۸، صفحه ۳۶۰) در شرح اصول کافی آمده است که تشبیه مال مسلم به خون او از حیث درجه و اهمیت زیادی است که اسلام نسبت به آن دارد از این جهت که اسلام نسبت به خون مسلمان چقدر اهمیت قائل است و بسیار به آن اهمیت می‌دهد همین طور هم مال مسلمان اهمیت دارد و نباید بدون مجوز شرعی در مال مسلمان تصرف کرد (مازندرانی، ۱۴۲۷، صفحه ۱۱) بنابراین، از تشبیه احترام مال مسلمان به احترام خونش استفاده می‌شود که هرگونه احترامی که نسبت به خون مسلمان مطرح است در مورد مالش نیز ثابت خواهد بود (همدانی، ۱۴۲۰، صفحه ۵۴) مشهور فقیهان حرمت تکلیف را با استناد به نبوی مزبور ثابت می‌دانند و هیچ حکم وضعی را بر آن مترتب نمی‌دانند اما امام خمینی (ره) مراد از حرمت مورد بحث در این قاعده را حرمت تکلیفی می‌داند بدین معنی که تصرف در مال مسلم بدون مجوز شرعی حرام است همانطوری که ریختن خونش نیز حرام است ولی در ادامه مسأله ضمان را نیز مطرح نموده و معتقد می‌شود که مال مسلمان مانند خونش محترم است و تصرف در آن بدون مجوز شرعی جائز نیست و چنانچه تصرف صورت گیرد و موجب تلف مال شود، اضافه بر حرمت تکلیفی ضمان نیز خواهد داشت که باید جبران شود (امام خمینی، ۱۳۶۸، صفحه ۲۴۸) شاید بتوان با توجه به این قاعده، حرمت دریافت مازاد بر تعرفه را ثابت کرد و حتی بنابر قولی که این قاعده را، مثبتِ ضامن می‌داند، قائل شد که پزشکانی که این مازاد بر تعرفه آخذ می‌کنند، ضامن هستند و باید آن را به صاحبانشان بر گردانند.

۳- روایت نبوی معروف

طبق این نقل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «لا یحلّ مال امرئٍ الاّ عن طیب نفسه» (ابن ابی جمهور، ۱۴۱۴، صفحه ۱۱۳) «تصرف در مال غیر جز با رضایت مالک ممنوع

می‌کردند. بنابراین در مواردی که عرفاً اکل مال به باطل حساب نمی‌شود ولی شرعاً این روش باطل اعلام شده است همچون معاملات ربوی، آیه فوق حکم به جواز اکل نمی‌کند. البته در مواردی که شارع بر خلاف نظر عقلاء و عرف در مورد بطلان طُرُق اکتساب، نظری ابراز نکرده باشد، از این عدم ردع، امضاء نظر عرف و عقلاء استفاده می‌گردد. پس نظر عرف طریق ظاهری و کاشف از صحیح و باطل واقعی است و کشف صحت و بطلان عقود صحیح و باطل عرفی بر همین مبنی استوار است.

ب) برخی دیگر معتقدند که افعال باطل به کارهایی گفته می‌شود که غرض صحیح عقلانی در آن وجود نداشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۱، صفحه ۳۱۷) و شاید به همین معنا اشاره دارد این گفته که: معنای اکل مال به باطل اینست که انسان بدون دلیل منطقی و عقلی درآمدی داشته باشد و به عبارت دیگر اکل، درآمدی بی جهت و باد آورده است به عنوان مثال قمار اکل مال به باطل است چون درآمدی است بدون دلیل منطقی و شرعی و مانند شراب فروشی... لذا این یک اصل کلی در تمامی معاملات اسلامی است (موسویان، ۱۳۸۶، صفحه ۳۲) بنابراین با توجه به سخن مذکور می‌توان گفت: هزینه مازاد بر تعرفه نیز مصادق اکل مال به باطل است و درآمدی است بدون دلیل منطقی و شرعی که آخذ آن حرام است.

ج) در «تفسیر قمی» آیه شریفه بدین صورت تفسیر شده است که: «آیه شریفه مشتمل بر احکام متعددی است از جمله آن، نهی از خوردن اموال دیگران به صورت باطل و ناروا؛ این حکم عمومیت دارد بر هر چیزی که شارع آن را مباح و روا نشموده است اعم از غصب، سرقت، خیانت، عقود فاسده مانند عقود مشتمل بر ربا و مانند قمار و غیره که داخل در مجموعه ی باطل گردد. بنابراین، کلمه باطل از مجملاتی است که نیاز به بیان پیامبر خدا(ص) و ائمه هدی علیه السلام دارد و این که از مجموع تصرفاتی که امکان دارد در شیء باطل صورت پذیرد و به خوردن اختصاص یافته است از این جهت است که خوردن، بالاترین و بزرگترین شیوه بهره برداری از اموال می‌باشد (القمی، ۱۴۰۴، صفحه ۵۱۲).

د) عده‌ی زیادی مراد از باطل را هر گونه سبب نامشروعی دانسته‌اند مثل دزدی، قمار، عقود فاسد (آردبیلی، ۱۴۰۳، ص ۴۲۸ و بجنوردی، ۱۴۱۹، صفحه ۲۱۵ و شهید ثانی، ۱۴۱۰، ص ۲۳۱ و محقق کرکی، ۱۴۰۷، صفحه ۱۲۷).
از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که چه مراد از باطل،

۱. حرمه ماله کحرمه دمه

۲. شبیه الشارع له بالدم یقتضی عموم المنزله فهو فی قوه ان یقال: إن کل احترام ثابت للدم فهو بعینه ثابت للمال أيضاً

عمومی و تعرفه واقعی، از یک طرف پز شک می‌خواهد به حقش برسد و از طرف دیگر نظم عمومی مقدار معینی دستمزد برای پز شک مشخص کرده است که پز شک نباید از آن تخلف کند حال در تعارض بین مصلحت اجتماعی با مصلحت فردی ما باید مصلحت اجتماعی را بر مصلحت فردی مقدم نماییم تا نظم عمومی دچار خدشه نشود علاوه بر این که دریافت مازاد بر تعرفه، اشکالات دیگری از جهات مخالفت با قوانین و غیره، نیز دارد.

۵- اجتناب از شبهات

بر فرض پذیرش این مطلب که حکم مازاد بر تعرفه از مواردی است که نص صریحی بر آن دلالت ندارد اما روایاتی زیادی وارد شده‌اند که دستور به اجتناب از شبهات داده‌اند و دریافت مازاد بر تعرفه نیز از مصادیق همین شبهات می‌باشد. در این مقام لازم است چند روایت ذکر شود و سپس در مفاد آنها تأمل گردد که طبق این روایات گرفتن مازاد بر تعرفه صحیح است یا خیر. از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود: «حلال بین و حرام بین و شبهات بین ذلک فمن ترک الشبهات نجی من المحرمات ومن أخذ بالشبهات، ارتکب المحرمات» (کلینی، ۱۳۸۸، صفحه ۶۸) حلالی است آشکار و حرامی است روشن و میان این دو امور مشتبهی است، پس هر کس شبهات را ترک کند از ارتکاب محرمات نجات می‌یابد و هر کس از شبهات پرهیز نکند مرتکب محرمات خواهد شد. نیز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «الوقوف عند الشبهات خیر من الاقتحام فی الهلکات» (حر عاملی، ۱۴۱۴، صفحه ۷۵) پرهیز از شبهات بهتر از افتادن در هلاکت است.

نعمان بن بشیر نیز نقل می‌کند که از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «من اتقی الشبهات فقد استبرأ لدینه و من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام» (شیخ طوسی ۱۴۱۷، صفحه ۴۱۳) اگر کسی از شبهات پرهیزد، در حقیقت برای دین خویش برائت جسته است و اگر کسی در شبهات بیفتد، در حقیقت به حرام افتاده است. در پاسخ شاید بتوان گفت احادیث فوق در صورتی دلالت بر حرمت دریافت مازاد بر تعرفه می‌کنند که اولاً: اثبات شود که پرهیز از شبهات به صورت امر لازم باشد نه به صورت امر احتیاطی و ثانیاً: ثابت شود که دریافت مازاد بر تعرفه از موارد مشتبه است. بنابراین، اگر هر کدام از دو امر فوق

است. این روایت در برخی منابع حدیثی با اندک اختلافی در عبارت به صورت‌های «المسلم أخ المسلم لا یحلّ مالہ الاّ عن طیب نفسہ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، صفحه ۱۴۶) و «لا یحلّ دم امرئ مسلم و لا مالہ الاّ بطیب نفس منه» (حر عاملی، ۱۴۱۴، صفحه ۴۲۵۹) نقل شده است.

در تحلیل این روایت گفته شده است که: حلّ در لغت به معنای باز کردن گره است این روایت به این معناست که شخص زمانی که در مال دیگران تصرف می‌کند، مفتوح العنان و مؤسع الترخیص در عمل نیست بلکه دستش بسته است تا این که اسباب فتوحی بیاید که همان رضایت و طیب نفس است (خلخالی، ۱۴۲۷، صفحه ۷۸) نیز آمده است: روایت دلالت می‌کند بر این که سبب حلیت مال دیگران به طور انحصاری و یا به طور جزء سبب، رضایت و طیب نفس است. (انصاری، ۱۴۱۵، صفحه ۵۴) بنابراین، شاید بتوان گفت: مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است بدین معنی که تعدی و تجاوز نسبت به آنها جائز نیست ثانیاً متجاوز، مسئول و ضامن است (محقق داماد ۱۳۸۸، صفحه ۲۱۴) به نظر می‌رسد دریافت مازاد بر تعرفه بر این روایت منطبق است زیرا بیماری که مبلغی مازاد بر تعرفه را می‌پردازد، از روی طیب نفس و رضایت خاطر نمی‌پردازد بلکه از روی ناچاری و اضطرار مبادرت به پرداخت می‌کند. بنابراین، دریافت مبلغ مازاد بر تعرفه توسط پز شک حرام و موجب ضمان می‌باشد. زیرا طبق نبوی فوق، تصرف در مال غیر بدون رضایت صاحبش جایز نمی‌باشد.

۴- سیره عقلا و عرف

عقلاء و عرف معمولاً با توجه به نرخ و تعرفه‌ی معین شده به پز شک مراجعه می‌کنند و در نظر دارند مقدار معینی را برای اجرت طبابت و درمان پرداخت نمایند به گونه‌ای که تعرفه را مقطوع می‌پندارند و آن را نسبت به تمامی مراحل درمان ساری و جاری می‌دانند و چنانچه پزشکی خلاف تعرفه را (به مقدار زیادتری از اجرت متعارف) مطالبه و دریافت کند، مورد تخطئه‌ی عقلاء و عرف قرار می‌گیرد. اگر گفته شود مقدار وجه معینی که عقلا پرداخت می‌کنند همان تعرفه واقعی است که توسط نظام‌های مربوطه تعیین نمی‌شود بلکه توسط خود پز شک به عنوان مازاد گرفته می‌شود و عقلاء گرفتن آن را صحیح می‌دانند. می‌گوییم: بر فرض پذیرش این که تعرفه واقعی پز شک همان مازاد باشد در اینجا تعارض پیدا می‌شود بین نظم

۱. دلّ علی انحصار سبب حلّ مال الغیر او جزء سببه فی رضا المالك فلا یحلّ بغیر رضاه

أبی جمهور، ۱۴۱۴، صفحه ۱۱۳) تصرف در مال غیر جز با رضایت مالک ممنوع است.

در این روایت آنچه ممنوع دانسته شده است عبارت است از این که انسان در مال دیگری بدون رضایت صاحبش تصرف کند. بنابراین، اگر طرف رضایت داشته باشد اشکالی ندارد پس در مسأله مورد بحث، چنانچه طرف بیمار با رضایت مبلغ مازاد بر تعرفه را در اختیار پزشک قرار دهد، اشکالی ندارد؛ زیرا طرف بیمار با طیب نفس خود، برای حل مشککش، این مبلغ را به پزشک پرداخت می کند. پس گرفتن آن مال از جانب پزشک شرعاً صحیح است.

به استدلال فوق اشکالاتی وارد است زیرا: اولاً باید طیب نفس بیمار (مالک) ثابت شود و بر فرض ثبوت طیب نفس، هر طیب نفسی موجب مشروع شدن عملی نمی شود؛ چون در خیلی از موارد ما طیب نفس داریم اما معامله از لحاظ شرعی صحیح نیست. مثل بیع ربوی و امثال آن که با وجود طیب نفس طرف ذی نفع، شارع آن را جایز نشموده است. ثانیاً: بر فرض وجود طیب نفس بیمار در پرداخت مبلغ مازاد بر تعرفه، مشکلی دیگری نیز وجود دارد و آن مخالفت با قوانین و مقررات می باشد و نمی توان این مشکل را برطرف کرد.

آری، اگر چنانچه پزشک می تواند به برخی از وسایل جانبی دیگر متوسل شود مثل این که در بیمارستان های بخش خصوصی، بیمارستان یا حداقل اتاق های عمل را برای مدت زمان معینی اجاره کند که در این حالت به صورت شخصی با بیمار قرارداد ببندد که گرفتن هر مبلغی که با بیمار توافق کرده اند مانعی ندارد، هر چند خدشه های دیگری نیز به این مورد وارد است.

۲- قاعده احترام عمل مسلمان

طبق این قاعده بایستی عمل مسلمان محترم شمرده شود و از مصادیق احترام به عمل مسلمان اینست که هیچ وقت رایگان محسوب نشود مگر این که قصد تبرع کرده باشد همانگونه که گفته شده است: «عمل المسلم محترم ما لم یقصد التبرع» (یزدی، بی تا، صفحه ۱۴۶) بنابراین، تا زمانی که تبرعی بودن عمل مسلمان احراز نشود باید اجرت و حق العملش، در نظر گرفته شود. پس در دلالت این قاعده بر اصل مشروعیت دریافت اجرت العمل هیچ تردیدی نیست اما در استفاده از این قاعده که احترام عمل پزشک در اینست که باید ایشان را راضی کرد و اگر پزشک جز با پرداخت مبلغ بیشتر از تعرفه، راضی نشود باید این مازاد پرداخته و موجبات رضایت پزشک را فراهم آورد و گر نه احترام عمل او نشده است. اگر به شود احترام عمل

مورد خدشه قرار گیرد، دلالت بر مدعا (حرمت اخذ مازاد بر تعرفه توسط پزشک) نخواهد داشت.

۶- قاعده عقلی دفع ضرر محتمل

قاعده دفع ضرر محتمل دلالت می کند بر این که در اخذ مازاد بر تعرفه توسط پزشک، چه بسا ضرر احتمالی عقاب آخروی وجود داشته باشد با توجه به این که مقام، حقوق مالی مردم است، لذا عقل دلالت بر اجتناب از آن می کند. ممکن است در رد استدلال فوق گفته شود: مبنای دفع ضرر محتمل در جایی است که عقل بیان کند احتمال ضرر آخروی باشد در حالی که پزشکان و مسئولان ذیربط بر این عقیده هستند که تعرفه های موجود، تعرفه واقعی نمی باشد و دریافت مازاد توسط پزشک در حقیقت، حق پزشک است و هیچ احتمالی مبنی بر دریافت بیشتر از حقوق خویش نمی دهد تا احتمال ضرر آخروی وجود داشته باشد. بنابر این پزشک می تواند مقدار مازاد بر آن را دریافت نماید.

گفتار دوم: مبنای فقهی جواز دریافت مازاد بر تعرفه

۱- تراضی

یکی از ادله ای که بر جواز اخذ مازاد بر تعرفه دلالت دارد، رضایت طرفین مخصوصاً رضایت طرف بیمار می باشد؛ زیرا این مسأله تابع قواعد عمومی قراردادهاست که اراده طرفین در آن نقش کلیدی دارد. برای جواز دریافت مازاد بر تعرفه می توان از قرآن و سنت دلیل اقامه نمود. در قرآن کریم آمده است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء، ۲۹) اموال یکدیگر را به ناحق مخورید، مگر آنکه تجارتی باشد که هر دو طرف بدان رضایت داده باشید.

در این آیه شریفه از اکل مال بدون مجوز شرعی نهی شده است ولی بعد از کلمه «إِلَّا» ملاک وجود مجوز را، تراضی ذکر می کند. بنابراین، خداوند متعال به واسطه این آیه شریفه، ملاک کلی و عامی را ارائه می دهد که در هر معامله قراردادی که تراضی طرفین وجود نداشته باشد، تصرف در اموال یکدیگر از نوع اکل مال به باطل است و ضابطه ای که موجب خروج از اکل مال به باطل می شود، تراضی است. البته آیه در خصوص «تجارت عن تراض» است اما به موجب قاعده «خصوص المورد لا یخصص عمومی العام» تراضی را به موارد دیگری از معاملات نیز می توان سرایت داد.

روایت مشهور نبوی نیز مستند خوبی در این زمینه می باشد که می فرماید: «لَا يَحِلُّ مَالٌ أَمْرِيَّ إِلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسِهِ» (ابن

مخالف نظم عمومی باشد، در این صورت قاعده سلطنت عمومیت خویش را از دست می‌دهد؛ یعنی بیمار نمی‌تواند با استناد به این قاعده به پرداخت مازاد بر تعرفه اقدام کند بنابراین مفاد قاعده این خواهد شد که بیمار احاطه‌ی بر مال خویش دارد تا هرگونه که می‌خواهد تصرف کند مگر در موردی که مصرف آن خلاف قوانین و نظم عمومی باشد.

گفتار سوم: فتوای فقیهان معاصر در مسأله

فقیهان شیعه با توجه به اختلاف مبانی و یا اختلاف پرسش‌ها، فتاوای مختلف داده‌اند که به طور کلی می‌توان در سه قسم دسته‌بندی کرد:

۱- عدم جواز اخذ مازاد بر تعرفه

برخی از فقیهان دریافت مازاد بر تعرفه (زیرمیزی) را مصداق مال حرام دانسته و گفته‌اند: مال حرام در نگاه قرآن چرک و لجن است. بنابراین کسی که به رانت خواری، رشوه‌گیری، زیرمیزی و ... دست می‌زند لجن‌ها و چرک و کثافت را می‌خورد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، صفحه ۳۴). نیز گفته شده است که: گرفتن وجه اضافی به هر عنوانی که بر خلاف ضوابط و مقررات باشد، شرعاً جایز نیست (لنکرانی، ۱۴۱۲، صفحه ۵۶-۵۷).

۲- جواز اخذ مازاد بر تعرفه

برخی دیگری از فقیهان جواز و عدم جواز اخذ مازاد را مبتنی بر رضایت طرفین دانسته و گفته‌اند: تعیین اجرت طبابت موکول به تراضی طرفین است. اگر خود پزشک مبلغی را معین نموده، او را به کمتر از آن نمی‌توان اجبار نمود و اگر حاکم شرع در بعضی از موارد بر اساس مصالح عامه، مبلغی را معین نمود و پزشک آن مبلغ را حق ویزیت خود قرارداد، دریافت آن مبلغ برای او حلال است. بنابراین، در اصل مشروعیت، عمل تراضی طرفین میزان است. هم چنین اگر پزشکی متعهد شده که با مقررات خاص بیمارستان عمل کند، گرفتن زیرمیزی جایز نیست ولی اگر به صورت آزاد معالجه می‌کند، با رضایت طرفین مانعی ندارد (صافی، ۱۴۱۵، صفحه ۳۳). نیز در پاسخ این پرسش که - آیا پزشکان موظف به رعایت نرخ‌های دولتی هستند؟ - گفته شده است: آری باید نرخ‌های دولتی را رعایت کنند. (البته در مورد هر گونه هدیه و پاداش، در صورتی که حقی را باطل و یا باطلی را حق می‌کند یا نوبت کسی تضييع شود جایز نیست. در غیر این صورت اگر با رضایت دهنده باشد اشکالی ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص ۳۳).

مسلمان را به این گستردگی مطرح کرد، قاعده مزبور می‌تواند یکی از ادله جواز دریافت مازاد بر تعرفه باشد و اگر چنین نباشد این قاعده دلیل بر جواز موضوع مورد بحث نخواهد بود.

۳- قاعده سلطنت

مقتضای قاعده سلطنت این است که تمام تصرفات شرعی انسان بر مال خویش صحیح باشد و بتواند با اسباب شرعی به نقل و انتقال آن اقدام نماید. این قاعده که کاربرد فراوانی در حقوق مالی دارد از مستندات قوی و معتبری برخوردار می‌باشد که در زیر به ذکر دو روایت بسنده می‌شود:

(۱) از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمود: «النَّاسُ مَسْلُطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، صفحه ۲۷۲) مردم بر اموال خویش تسلط و احاطه دارند.

ممکن است استدلال شود که مطابق این روایت، هرکس حق تصرف و نقل و انتقال مال خویش را دارد. بنابراین، بیمار از آن جهت که بر مال خویش احاطه دارد، می‌تواند مبلغ مازاد بر تعرفه (زیرمیزی) نیز برای پزشک بپردازد.

(۲) ابا بصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: «أَنَّ لِصَاحِبِ الْمَالِ أَنْ يَعْمَلَ بِمَالِهِ مَا شَاءَ مَا دَامَ حَيًّا إِنْ شَاءَ وَهَبَهُ وَإِنْ شَاءَ تَصَدَّقَ بِهِ...» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۱۳۲۵) صاحب مال مادام که زنده است هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد، اگر بخواهد آن را هبه می‌کند و اگر مایل بود صدقه می‌دهد...

مطابق این حدیث شریف، تصرفات مالکانه مالک در زمان حیاتش مجاز است و کسی نمی‌تواند جلو تصرفات او را بگیرد. بنابراین، شخص بیمار یا اولیاء او با توجه به مفاد این روایت می‌تواند مبلغ مازاد بر تعرفه را به پزشک بپردازد؛ چرا که تا فرد زنده است نسبت به مالش سلطنت دارد و هر کار مشروعی را می‌تواند انجام دهد. بنابراین می‌تواند برای درمان بیماری خود، علاوه بر اجرت المسمی (تعرفه معین) مقدار بیشتری را نیز به پزشک معالج خویش بپردازد.

در استدلال به قاعده سلطنت و نسبت به مفاد هر دو روایت می‌توان این‌ا شکل را مطرح کرد: «قاعده سلطنت نمی‌تواند بر جواز اخذ مازاد بر تعرفه (زیرمیزی) دلالت داشته باشد؛ زیرا اولاً: بر فرض این که پرداخت مازاد بر تعرفه توسط بیمار اشکال نداشته باشد، از کجا معلوم که دریافت این مبلغ مازاد توسط پزشک جایز باشد؛ چون ممکن است بیمار بر اساس قاعده سلطنت و اضطرار به معالجه، حاضر به پرداخت زیرمیزی شود اما جواز پرداخت بیمار تلازمی با جواز دریافت پزشک ندارد. ثانیاً: اگر زیرمیزی براساس قوانین و مقررات آمره ممنوع و

۲- قول به تفصیل

بسیاری از فقیهان قایل به تفصیل شده برخی گفته‌اند: پزشک اگر کارمند دولت در بیمارستان باشد که حقوق خود را از صندوق دولت دریافت می‌کند و یا عمل جراحی را بر اساس دریافت اجرت عمل از شرکت بیمه دریافت می‌نمایند، حق مطالبه‌ی اضافی از بیمار را ندارد (خامنه‌ای، بی تا، ص ۵۶). نیز گفته‌اند: تخلف کارمند از قوانینی که هنگام قرارداد کارمندی تعهد نموده که به آن عمل کند جایز نیست (سیستانی، بی تا، صفحه ۳۲). برخی برای تعیین تعرفه محاسبه‌ی تورم را لازم دانسته و گفته‌اند: اگر حق طبابت در سابق معین بوده به حسب ظاهر راه تعیین قیمت فعلی اش، نسبت اضافه قیمت اشیاء و اعمال نسبت به قیمتی که در سابق بوده است، می‌باشد. مثلاً اگر قیمت اشیاء و اعمال نسبت به زمان گذشته دو ثلث گران تر شده است دو ثلث حق طبابت هم بالا می‌رود و هکذا... (بهجت، ۱۴۲۷، صفحه ۱۵۶). برخی دیگر نیز ضمن لزوم رعایت مقررات حکومتی و قانونی اخذ مازاد بر تعرفه را منوط به رضایت طرف بیمار نموده و گفته‌اند: تخلف از هر تعهد مشروعی اشکال دارد ولی در صورت رضایت بیمار، پزشک مالک پول می‌شود (منتظری، ۱۳۷۷، صفحه ۴۴).

نتیجه گیری

امروزه بیماران نیز می‌دانند که بهبودی به طور یقینی به دست پزشکان نیست بلکه همانطوری که مطابق روایات متعدد، درد و رنج و بیماری از جانب خداوند متعال است؛ شفا نیز به اراده او است لذا اینگونه نیست که بهبودی و سلامتی دخیل در عنوان (معالجه) باشد و به عنوان یکی از مقدمات اساسی تشکیل‌دهنده موضوع نقش ایفا کند هرچند بهبودی در کنار معالجه هدف اصلی بیماران است. از سوی دیگر نسبت به مشروعیت اخذ مازاد بر تعرفه نیز دو نظر در بین فقیهان وجود دارد که بیشتر آنان معتقد به حرمت تکلیفی و عدم جواز اخذ مازاد بر تعرفه شده‌اند؛ از مهم‌ترین ادله‌ای که برای مدعای خویش بدانها استناد کرده‌اند عبارتند از: (۱) آیه شریفه حرمت اکل مال به باطل (قاعده احترام مال مسلم) (۲) روایت «لا یحلّ مال امرئٍ اّلا عن طیب نفس» (۳) روایات وارده در مقام احتیاط نسبت به مال غیر (۴) قاعده‌ی عقلی دفع ضرر محتمل. عده اندکی نیز قائل به حلیت و جواز اخذ مازاد بر تعرفه شده‌اند که از مهم‌ترین دلایل آنان می‌توان به (۱) رضایت و طیب نفس بیمار (۲) قاعده «عمل المسلم محترم ما لم یقصد التبرع» (۳) روایت ابا بصیر از امام صادق علیه‌السلام بود.

Obtain legal review and legal fees in excess of Physicians

*Sayyed Mohsen aziz*¹, Mohammad Khani²*

1- Assistant professor of Jurisprudence and Principles of Law Faculty of Theology, Sabzevar University of Sabzevar Iran

2. Assistant professor of Criminal Law Department, Law School of Islamic Azad University of Neyshabur, Neyshabour Iran

** Corresponding author: sm.aziz@hsu.ac.ir*

Abstract

One of the major trends in today's society is prevalent among some doctors and social prestige makes them vulnerable to a phenomenon called the additional payments. In addition to obtaining legitimacy in excess of tariff and non-licensed surplus obligation to respect the sanctity of verse Eccles property to false, the story "La Yhl own accord se thing Ella shit, as a precaution against the accounts of non-financial losses and the rule of reason likely citations are in violation of the law, including the reasons for government regulation, demand, without the advantage of being an emergency patient and taking bribes in excess of licensed surplus tariff tariff imply. Qaylyn to Hlyt and licensed surplus reasons, such as patient satisfaction and self-Tayeb, jus' Muslim practice of our respected Lemma Yqsd Altbr "Aba Basir narrated from Imam Sadiq peace and refer., In this paper is an attempt to investigate the nature and Basics of legitimacy or illegitimacy jurisprudence and law practitioners should be under the table.

Keywords: *doctor fees, additional payments, contract management, medical treatment, indefinite contracts.*

References

1. Makarem Shirazi, Nasser (1427), Istifta'at, Qom: Imam Amir Al-Mu'minin School, peace be upon him.
2. Hosseini Khamenei, Seyed Ali (2009), Ajoubeh Al-Istifta'at, Rahbari website.
3. Hosseini Sistani, Seyed Ali (2011), author's inquiries from his site.
4. Montazeri, Hossein Ali (1998), Istifta'at treatise, Qom: Kayhan Institute.
5. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram (1405), Language of the Arabs, Qom: Adab Al-Hawza Publishing.
6. Ardabili (Mohaghegh Ardabili), Ahmad Ibn Mohammad (1403), Al-Faida and Al-Burhan for the explanation of the guidance of the world, research: Mojtaba Iraqi, Eshtehardi and Yazdi, Qom: Jameh Modaresin Publications.
7. Sheikh Ansari, Morteza Ibn Mohammad Amin (1415), Kitab al-Makasib, Qom: World Congress in honor of Sheikh Azam Ansari.
8. Bojnord, Seyyed Hassan (1419), Al-Qawaid Al-Fiqhiyya, Qom: Al-Hadi Publishing.
9. Harr Ameli, Muhammad ibn al-Hasan (1414), The Means of Shia to the Study of Sharia Issues, Qom: Publications of the Institute of the Prophet (peace and blessings of Allaah be upon him).
10. Hakim, Seyyed Mohsen (1416), Mamdask Al-Urwa Al-Wathqi, Qom: Dar al-Tafsir.
11. Javadi Amoli, Abdullah (2010), Hozeh Net website, Hozeh information base.
12. Mazandarani, Mohammad Saleh (1427), Sharh al-Kafi, vol. 10, Tehran: Monir Publications.
13. Hali, Yahya Ibn Saeed (1405), Al-Jame 'for Sharia, Qom: Sayyid al-Shuhada Institute Publications.
14. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan (1417), Al-Khalaf, research: Sayyid Ali Khorasani, Shahrestani and Muhammad Mahdi Najafi, Qom: Publications of the Society of Teachers of the Alimah Seminary of Qom.
15. Ameli (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali (1410), Al-Rawdha al-Bahiyya fi Sharh al-Lama'a al-Damashqiyyah, correction: Muhammad Kalantar, Qom: Davari Publications.
16. Fadhil Lankarani, Mohammad (1412), Tafsil al-Shari'a fi Sharh Tahrir al-Waseela, Al-Qisas, Qom: Jurisprudential Publications of the Imams.
17. Qomi, Ali Ibn Ibrahim (1404), Tafsir Al-Qomi, research: Seyyed Tayeb Jazayeri, third edition, Qom: Dar Al-Kitab Publications.
18. Karki (Mohaghegh Karki), Ali Ibn Al-Hussein (1408), Jame 'Al-Muqassid Fi Sharh Al-Qawa'd, Qom: Al-Bayt Institute Publications (PBUH).
19. Klini, Mohammad Ibn Ya'qub Ibn Ishaq, Al-Kafi, Research: Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islamiyya Publications, third edition, 2009.
20. Majlisi, Mohammad Baqir, (1403), Baharalanvar Al-Jame'ah for the News of the Imams of Al-Athar (peace be upon them), Beirut: Al-Wafa Institute Publications.
21. Mousavi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah (1368), Kitab al-Bay'a, fourth edition, Qom: Ismailian Publications.
22. Hamedani, Agha Reza Ibn Mohammad Hadi (1420), Margins of the Book of Al-Makasib, Qom: Al-Wafa Institute Publications.
23. Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem (Bi Ta), Al-Urwa Al-Wathqi, Qom: Davari Publications.

